

Research Paper

Investigating the philosophical position of rationality in the thought of philosophers and explaining the benefit of education from its components

Mahmood Abdvand¹, Ali Rowshani zadeh², Jahanbakhsh Rahmani³

1. PhD candidate of Philosophy of Education, Department of Education, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Khorasgan, Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor of Philosophy of Education, Department of Education, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.
3. Associate Professor of Philosophy of Education, Department of Education, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Khorasgan, Isfahan, Iran.

Received: 10/08/2024
Accepted: 03/11/2024
PP: 21-35

Keywords:
Rationality, Education,
Philosophers.

Abstract

Introduction: This research aimed to examine the role of rationality in the theories of philosophers and to extract its components for education. This study is a qualitative research conducted using the grounded theory method with a comparative-analytical approach. The research included all scientific documents in the field of philosophy and education, from which the views of philosophers on rationality and related concepts in education could be extracted.

Research methodology: For data analysis, the grounded theory was used. The data collection tool included note-taking related to the concept of rationality and education. Firstly, sentences related to the main goal of the research were selected and coded from the relevant texts. The concept of rationality was developed from 340 codes based on the views of 93 philosophers and thinkers. From these initial codes, the researcher then selected 153 codes under the title "Reason, Rational, and Rationality." Lastly, the selected categories of the concept of education were studied and compared with the selected codes from the second stage, and they were categorized in a table based on their alignment or misalignment with the views of philosophers.

Findings: The results indicated that, according to philosophers, education can utilize reason as a criterion for accepting the structure of education. In addition, it can be a tool for refinement in education and a guide towards goodness and directing in education, as well as for distinguishing right from wrong and understanding in education. Furthermore, the education can be an instrument for progress in education and understanding the limitations of reason in education.

Conclusion: This research highlights the fundamental role of rationality in education. It shows that reason serves as a key standard for shaping educational frameworks, correcting practices, and guiding ethical considerations. Ultimately, the findings encourage a rational-based approach to enhance the effectiveness and impact of education and learning.

Citation: Mahmood Abdvand, Ali Rowshani zadeh, Jahanbakhsh Rahmani.(2024). Investigating the philosophical position of rationality in the thought of philosophers and explaining the benefit of education from its components. Journal of Ahsan Education, Vol 1, No 1, pp 21-35

Corresponding author: Ali Rowshani zadeh

Address: Department of Education, Islamic Azad University, Ilam Branch, Ilam.

Email: Rowshani.education@yahoo.com

مقاله پژوهشی

بررسی جایگاه فلسفی عقلانیت در اندیشه فلاسفه و تبیین بهره‌مندی تعلیم و تربیت از مؤلفه‌های آن

محمود عبدوند^۱، علی روشنی زاده^۲، جهانبخش رحمانی^۳

^۱دانشجوی فلسفه تعلیم و تربیت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

^۲استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

^۳دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه عقلانیت در نظریه‌های فیلسوفان و استخراج مؤلفه‌های آن برای تعلیم و تربیت انجام شد. این پژوهش از جمله پژوهش‌های کیفی است و با استفاده از روش گرند تئوری با رویکرد تطبیقی - تحلیلی انجام پذیرفت. حوزه پژوهش شامل تمامی اسناد علمی در حوزه فلسفه و تعلیم و تربیت بود که نظرات فلاسفه در حوزه عقلانیت و مفاهیم مرتبط با تعلیم و تربیت در آنها قابل استخراج بود.

روش شناسی پژوهش: برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پیشنهادی "گراند تئوری" استفاده گردید. ابزار گردآوری اطلاعات شامل فیش‌برداری مرتبط با مفهوم عقلانیت و آموزش و پرورش بود. در مرحله نخست از متون مرتبط با موضوع، جملات مرتبط با هدف اصلی پژوهش انتخاب و کدگذاری شدند. مفهوم عقلانیت در ۳۴۰ کد از دیدگاه ۹۳ فیلسوف و اندیشمند تدوین گردید. در مرحله دوم از میان این کدهای باز، محقق ۱۵۳ کد انتخابی را با عنوان «عقل، عاقل و عاقلانه» برگزید. در مرحله سوم مقوله‌های انتخابی مفهوم تعلیم و تربیت با کدهای انتخابی مرحله دوم مورد مطالعه و تطبیق قرار گرفتند و بر اساس همسویی و ناهمسویی با نظرات فلاسفه در جدول طبقه‌بندی گردیدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد از نظر فلاسفه، تعلیم و تربیت می‌تواند از عقل به عنوان، معیاری برای پذیرش ساختار تعلیم و تربیت استفاده کند. همچنین، عقل می‌تواند ابزاری برای تهذیب در تعلیم و تربیت، ابزاری برای تشخیص درست و نادرست و فهم در تعلیم و تربیت و ابزاری برای هدایت به خیر در تعلیم و تربیت باشد. علاوه بر این، عقل می‌تواند ابزاری برای پیشرفت در تعلیم و تربیت، ابزاری برای درک ناتوانی‌های عقل در تعلیم و تربیت و برای ایجاد تعامل در تعلیم و تربیت بهره‌مند شود.

بحث و نتیجه‌گیری: این تحقیق نقش بنیادی عقلانیت را در آموزش برجسته می‌کند. این تحقیق نشان می‌دهد که عقل به عنوان معیاری اساسی برای شکل‌گیری چارچوب‌های آموزشی، تصحیح رویه‌ها و هدایت ملاحظات اخلاقی عمل می‌کند. در نهایت، نتایج این تحقیق رویکردی مبتنی بر عقل را برای افزایش اثر بخشی و تأثیر آموزش و یادگیری ترغیب می‌کند.

استناد: عبدوند محمود، روشنی زاده، علی، رحمانی جهانبخش. (۱۴۰۳). بررسی جایگاه فلسفی عقلانیت در اندیشه فلاسفه و تبیین بهره‌مندی تعلیم و

تربیت از مؤلفه‌های آن، فصلنامه علمی تعلیم و تربیت احسن، دوره اول، شماره یک، شماره صفحات ۲۱-۳۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

شماره صفحات: ۲۱-۳۵

واژه‌های کلیدی:

عقلانیت، تعلیم و تربیت، فلاسفه

* نویسنده مسئول: علی روشنی زاده

نشانی: گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران

پست الکترونیکی: Rowshani.education@yahoo.com

مقدمه

«عقلانیت» در سه زمینه متفاوت به کار می‌رود و هریک از این سه کاربرد عنوانی خاص هم دارد. فلاسفه در زمینه ارزیابی باورها - و یا حتی گزاره‌ها و یا تصمیمات - از تعبیر «عقلانیت نظری»^۱ استفاده می‌کنند. عقلانیت نظری به این امر مربوط می‌شود که به چه اموری باید باور داشته باشیم. در مقابل، «عقلانیت عملی»^۲ به حوزه رفتارها مربوط می‌شود و با این امر سر و کار دارد که چه رفتارهایی را باید انجام دهیم. و بالاخره، عقلانیت ارزش‌شناختی^۳ به این مساله می‌پردازد که به چه چیزهایی باید ارزش قایل شویم (Stenmark et al., 1955).

اولین بار، ارسطو انسان را به عنوان «حیوان عاقل» تعریف کرد. مسلمان‌ها هم این تعریف را به «حیوان ناطق» ترجمه کردند. مقصود ارسطو این بود که از میان حیوانات فقط انسان از موهبت عقل و قوه عاقل برخوردار است و فلاسفه مسلمان هم بالاترین تجلی قوه عاقله را در ویژگی ناطق بودن او دانسته‌اند. چرا که تنها موجودی که عاقل است می‌تواند ناطق باشد. «عاقل بودن» ویژگی خاص انسان است (Asghari et al., 2005).

عقلانیت گاهی در مقابل ناعقلانیت^۴ به کار می‌رود و گاهی هم در مقابل ضد عقلانیت^۵ این دو کاربرد با هم متفاوت‌اند و خلط آنها به مغالطه می‌انجامد. باورها و رفتارها برخلاف اشیای خارجی، شأنیست موصوف شدن به عقلانیت را دارند، این سخن بدین معنا است که رفتارها و باورهای خاص می‌توانند معقول و یا غیرمعقول باشند، ولی اشیای خارجی، قابلیت معقول و یا غیرمعقول بودن را ندارند. در چنین بافتی، ما عقلانیت را در مقابل ضد عقلانیت به کار می‌بریم. ضد عقلانیت در مواردی به کار می‌رود که قابلیت اتصاف به عقلانیت را ندارند و بیرون از حوزه عقلانیت قرار می‌گیرند - به این معنا - در مواردی است که قابلیت اتصاف را دارند و پرسش از عقلانیت در آنها مطرح می‌شود. عقلانیت به این معنا را می‌توانیم عقلانیت به معنای وسیع در نظر بگیریم؛ چرا که مسئله عقلانیت در قلمروی این موارد مطرح می‌شود.

مقصود ارسطو هم این بوده که آدمیان موجوداتی هستند که شأنیست اتصاف به عقلانیت را دارند. یعنی رفتارها و باورهایشان قابلیت معقول شدن را دارند، عقلانیت به معنای وسیع در مورد آدمیان به کار می‌رود، نه اینکه همه باورها و رفتارهای آدمیان معقول است. انسان بدین معنا عاقل است که توانایی به کارگیری عقل را دارد، نه اینکه در هر موردی عقل خودش را درست به کار می‌گیرد. برخی برای تفکیک این دو معنا میان عقلانیت نوعی^۶ و عقلانیت هنجاری^۷ فرق می‌گذارند. عقلانیت نوعی بدین معنا است که موصوف به عقلانیت توانایی به کارگیری عقل را دارد و می‌تواند ملاک‌های عقلانیت را برآورده سازد. اما این توانایی بدین معنا نیست که ما همواره عقل خود را به شیوه‌ای درست به کار می‌گیریم و در هر موردی به نحوی معقول می‌اندیشیم یا رفتار می‌کنیم. در مقابل، عقلانیت هنجاری در موردی به کار می‌رود که عقل و ملاک‌های عقلانیت را به نحوی دقیق به کار بسته باشیم (Stenmark et al., 1955).

عقلانیت نوعی شرط لازم برای عقلانیت هنجاری است، اما شرط کافی برای آن نیست. سوسا^۸ عقلانیت هنجاری را با معنای ارزش‌گذارانه^۹ عقلانیت و عقلانیت نوعی را با معنای مقولی^{۱۰} آن، نشان می‌دهد. معقول بودن یک رفتار یا باور و یا ارزیابی خاص به معنای تأیید و مقبول دانستن آن است. به عبارت دیگر، عقلانیت از لحاظ معرفت‌شناختی بار مثبت دارد. همان طوری که «توجیه» در معرفت‌شناسی برای ارزیابی به کار می‌رود؛ یعنی وقتی می‌گوییم باوری موجه است مرادمان این است که نوعی ارزیابی مثبت به آن داریم، معقولیت یا عقلانیت هم بر همین منوال است. چیزم^{۱۱} این نکته را خاطر نشان کرده است: اصطلاح «توجیه» را وقتی در مورد یک باور به کار می‌بریم، به عنوان یک واژه ارزیابی معرفتی به کار می‌بریم.

^۱theoretical rationality
^۲practical rationality
^۳axiological rationality
^۴irrationality
^۵arationality
^۶generic rationality
^۷normative
^۸Sosa
^۹evaluative
^{۱۰}categorical
^{۱۱}Chisholm

از این گذشته، عقلانیت هنجاری مستلزم «باید» هم هست؛ بدین معنا که به ما می‌گوید چگونه باید به آنچه که انجام می‌دهیم یا باور داریم، نظم و سامان ببخشیم و به چه چیزهایی مثلاً باید باور داشته باشیم، یا چه رفتارهایی را باید انجام دهیم. از این‌رو، گاهی برای توصیف این نوع عقلانیت، عقلانیت وظیفه‌شناختی^۲ است. به عبارت دیگر، هنجاری بودن عقلانیت بر مؤلفه‌ای وظیفه‌شناختی دلالت دارد.

عقلانیت ابزاری مفهومی نسبی است؛ بدین معنا که آنچه که فردی بدان باور دارد یا آن را انجام می‌دهد نسبت به اهداف عقلانیت دارند. به عبارت دیگر، باورها و رفتارها نسبت به اهداف شخص عقلانیت دارند. عقلانیت ابزاری به معنای دیگری نیز نسبی است؛ برای ارزیابی نه تنها رفتارها و باورهای دیگران باید به اهداف آنها معرفت داشته باشیم؛ بلکه باید به بافت واقعیتی که در آن زندگی می‌کنند نیز معرفت داشته باشیم. فرض کنید من باید از مکانی به مکان دیگر در دور دست بروم و برای رسیدن به آنجا می‌دوم. صرف رسیدن به مکان مورد نظر دویدن مرا را معقول نمی‌سازد چرا که می‌توانستم با وسیله نقلیه‌ای به آنجا بروم و زودتر برسم. اما اگر فرض کنیم راه رسیدن به آنجا مسدود بود و در نتیجه، من نمی‌توانستم با وسیله نقلیه به آنجا بروم، در چنین صورتی دویدن من معقول به نظر می‌رسید. بنابراین، بدون توجه به شرایط و بافت خاص رفتار چنین عملی معقول به نظر نمی‌رسد، اما با توجه به شرایط مذکور، معقولیت ابزاری آن روشن می‌شود. و خلاصه آنکه، عقلانیت ابزاری به دو معنا نسبی است (۱) برای ارزیابی باید اهداف را هم در نظر گرفت و عقلانیت در نسبت به اهداف معنا پیدا می‌کند. (۲) برای ارزیابی باید شرایط و بافت رفتارها را هم در نظر گرفت و عقلانیت در نسبت به این شرایط روشن می‌شود (Stenmark et al., 1955). بر طبق این برداشت از عقلانیت، انسان عاقل کسی است که هم می‌تواند اهداف مناسبی را انتخاب کند و هم می‌تواند ابزارهای متناسب با آن اهداف را تعیین کند. در نتیجه، عقلانیت کل‌نگر ابعاد نظری - عملی و ارزش‌شناختی دارد؛ در بُعد نظری - عملی با برقرار کردن روابط مناسبی میان ابزارها و اهداف سروکار دارد، ولی از لحاظ بُعد ارزش‌شناختی با یافتن ارزشها و اهداف مناسبی سروکار دارد.

از میان دیدگاه‌های اسلامی، فارابی با دقت و تبحر خاص و ابتکاری، معانی و کاربردهای متعدد و متنوع واژه‌ی عقل را در شش معنای مهم و کاربردی تعریف کرده است. این گونه تنظیم سلسله مراتب عقل (نفس) انسانی، برای نخستین بار توسط فارابی انجام شده است (Adelzadeh Naeni et al., 2019). ابن سینا مراتب عقل نظری را عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد را مطرح کرده و از عقل فعال و عقل قدسی نام برده است (Avicenna, 1400 AH).

در متون اسلامی از سویی گاهی فهم و شناخت با عقل مترادف دانسته شده است. به طور مثال، در روایات تعبیر «عقل گفتاری» به عقل روایت و «عقل کرداری» به عقل رعایت به کار رفته است. تعبیر عقل گفتاری حاکی از آن است که فعالیت شناختی و گفتاری صرف را هرچند به عمل درنیاورد می‌توان عقل نامید. با این حال، تعبیر عقل کرداری به چیزی فراتر از شناخت ناظر است. عقل کرداری، حاکی از توجه بلکه التزام به لوازم عملی چیزی است که فرد آن را مورد درک و فهم قرار داده است. بنابراین عقل، محدود به شناخت نیست بلکه شناخت محدودۀ ناتمامی از عقل است (Bagheri et al., 2010).

با توجه به عناوین و مطالبی که در بالا ذکر شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سوالاتی است که ذهن محققان را مشغول و کنجکاوی آنها را معطوف به خود نموده‌اند. از جمله اینکه: عقلانیت در نگاه فیلسوفان چه جایگاهی دارد؟ عقل، عاقل، رفتار عقلانی و عملکرد عاقلانه از نگاه فلسفه یعنی چه؟ تعلیم و تربیت چگونه از عقلانیت بهره می‌برد؟ چگونه می‌توان بر اساس نظرات فلاسفه برای داشتن تعلیم و تربیت احسن در جامعه استفاده کرد؟

عقلانیت: ویژگی ذاتی و متمایزکننده انسان از دیگر جانداران، عقل و خردورزی است. عقلانیت نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند، به طوری که هر جامعه برای پیشرفت برنامه‌های آموزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و حتی مذهبی و اخلاقی خود بدان نیازمند است. عقل در بین دیگر قوای ذهنی و در دنیای وجود انسان، از بالاترین ارزش برخوردار است. حقیقت الوهیت را که جوهر ایمان به خداوند متعال است جز با عقل نمی‌توان درک کرد. مهمترین امتیاز انسان قدرت اندیشه اوست.

(Sadr al-Mutalihin, M. I. (1410 AH); Davoodi et al., 2010)

معنای لغوی عقلانیت: واژه عقلانیت، از لحاظ لغوی مصدر است اما مصدری ساختگی است و با اضافه کردن علامت مصدری، یعنی «یت»، به آخر کلمه «عقلانی»، که یک صفت به معنای قابل انتساب بودن به عقل است، ایجاد می‌شود. عقلانیت مصدری است که از صفت عقلانی، به معنای منسوب به عقل ساخته شده است. از عقل، دو صفت عقلی یا عقلانی ساخته می‌شود. وقتی عقلی به کار می‌رود به این

معناست که محصول عقل است اما وقتی اصطلاح عقلانی به کار برده شود اشاره به نوعی ارزش و هنجار نیز هست. یعنی حجیت هم دارد و به نحو شایسته و بایسته است (Sadeqi et al., 2007).

کاربردهای عقل در قرآن کریم و حدیث: در قرآن کریم عقل به صورت اسم و حتی مصدر بکار نرفته است. ۴۹ بار در این کتاب شریف از مشتقات عقل استفاده گردیده و همه این مشتقات به صورت فعل استعمال شده‌اند. کاربردهای عقل در قرآن به این صورت است: «تعلولن» ۲۴ بار، «یعقلون» ۲۲ بار، «یعقلها» ۱ بار، «نقل» ۱ بار و «عقلوه» ۱ بار (Sa'adat et al., 2014).

در قرآن کریم عقل قرین واژه‌هایی قرار گرفته است که توجه به آن ترکیب خاص واژگانی، دستیابی به معنا و مفهوم عقل را بیشتر تسهیل می‌کند. از این نوع کاربردهای قرآنی، آیاتی است که بین سمع و عقل ترکیب نموده و این دو واژه را کنار همدیگر بکار برده است. همچنین آیاتی که بین قلب و عقل و بین یقین و عقل ترکیب نموده است. در قرآن کریم عدم تعقل و بهره نبردن از عقل نتایج زاینباری به بار می‌آورد از قبیل: گم کردن راه نجات و هدایت ناپذیری (بقره ۱۷۰)، انجام امور لهو و لعب (مائده، ۵۸)، داد و فریاد و بی‌ادبی در گفتار و عدم رعایت حقوق مجالست و مصاحبت (حجرات، ۴)، عدم مؤانست با همدیگر و اختلاف و پراکندگی دلها (حشر، ۱۴)، عدم تجربه پذیری از وقایع و امثال (عنکبوت، ۴۳)، توجه و عبادت غیر خدا (ملک ۲۱) (Quran, 1442 AH).

رسول اکرم (ص) با عبارت موجزی این مطلب را بیان می‌فرماید: بدون تردید همه خیرات (علمی و عملی) با عقل به دست می‌آید و کسی که عقل ندارد، دین ندارد (Majlisi et al., 2011). در حدیث دیگری رسول گرامی (ص) خطاب به امام علی (ع) فرمود: ای علی، عقل چیزی است که با آنها بهشت تحصیل می‌شود و رضای خدای رحمان به دست می‌آید (همان). امام علی (ع) نیز در حکمت نغزی می‌فرماید: خدای متعال عقل را به انسان نداد جز آنکه روزی او را با کمک همان عقل نجات بخشید (Dashti et al., 2017). در حکمت دیگری بر این مطلب تأکید می‌نمایند: عقل تو را کفایت کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد.

تعلیم و تربیت: مکاتب تربیتی هر یک با دیدگاه خاص خود به اهمیت این بعد از تربیت پرداخته اند و آن را بیان کرده‌اند. بسیاری از مکاتب تربیتی وقتی از تعلیم و تربیت صحبت می‌کنند، برداشت خاص خود از عقل و عقلانیت را مشخص کرده و پرورش بعد عقلانی انسان را بنیان تعلیم و تربیت خود تلقی می‌کنند. تقویت بعد عقلانی وجود آدمی، باعث هدایت او به سمت واقعیت هستی شده و عقل جز در تحت لوای علم شکوفا نمی‌شود و لذا لازمه‌ی عالم شدن آن است که فرد تحت تعلیم قرار گیرد. دیدگاه‌های مختلفی از عقل و عقلانیت و تربیت عقلانی در مکاتب و نظام‌های تربیتی وجود دارد. اسلام نسبت به مکتبها و نظام‌های تربیتی دیگر بر روی عقل و خرد و عاقلانه عمل کردن بیشتر اصرار می‌ورزد. پافشاری اسلام بر روی مضامینی مانند مشاوره، اندیشیدن و تفکر جایگاه ویژه بعد عقلانی وجود آدمی را در این مکتب مشخص می‌سازد (Shari'atmadari et al., 2005).

ارسطو در یک تقسیم بندی فضائل رابه دو دسته تقسیم می‌کند: فضایل عقلی و فضایل اخلاقی. مقصود از فضایل عقلی، خُلق و خوی و حالتی است که بدان وسیله استدلال می‌کنیم و به عبارت دیگر فضایل عقلانی، آن دسته از مزیتها (فضایل) است که فعالیت‌های خاص عقل را تشکیل می‌دهد و تنها از طریق آموزش و تعلیم و تربیت به دست می‌آیند و لذا نیازمند تجربه و زمان می‌باشند (Davoodi et al., ۲۰۱۰).

با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالاتی است که ذهن محققان را مشغول و کنجکاوی آنها را معطوف به خود نموده‌اند. از جمله اینکه عقل، عاقل، رفتار عقلانی و عملکرد عاقلانه از نگاه فلسفه یعنی چه و در آرای فیلسوفان چه جایگاهی دارد؟ امر به معروف و نهی از منکر چه رابطه‌ای با فلسفه دین و فلسفه سیاست دارد؟ چگونه می‌توان بر اساس نظرات فلاسفه از مفهوم عقلانیت در تعلیم و تربیت استفاده کرد؟ بنابراین مسأله اساسی این تحقیق آن است که عقلانیت در نگاه فلاسفه در طول تاریخ چه جایگاهی داشته و تعلیم و تربیت عقلانی با این نظرات فیلسوفان چه همسویی‌ها یا ناهمسویی‌هایی دارد؟

پیشینه پژوهش

منصوری، هادی و همکاران، پژوهشی با عنوان «تبیین و بررسی تربیت عقلانی از دیدگاه محمدتقی جعفری» انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که هدف غایی تربیت عقلانی دستیابی به رضایت خداوند و قرب الهی است. اهداف واسطه‌ای در راستای هدف غایی مورد بحث قرار گرفت و سپس اصول تربیت عقلانی بر اساس مبانی تدوین گردید و اصل تعقل، اصل اتحاد وجودی، اصل محوریت دین، اصل

اختیار مسئولانه، اصل معیت عقل و اخلاق و برخی از اصول استنباط شده هستند که در راستای آنها، روش‌های آموزشی تدوین گردیده است (Mansoori et al., 2016).

رضوانی اول، راضیه و همکاران، پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای جایگاه عقل در فلسفه هگل و اندیشه مولانا» انجام دادند. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هگل، فیلسوف نام‌آشنای آلمانی، در مباحث فلسفی خود به طور گسترده به مفاهیم کاربردی عقل پرداخته است. وی با تکیه بر اصول فلسفی و دیالکتیک جاری و ساری، در بطن تاریخ، به بحث از فرایند شکوفایی روح و کارکرد عقل می‌پردازد. از نظر هگل، عقل نزدیک‌ترین پیوند را با حیات دارد چرا که عقل در وجود انسان، یک بخش در کنار سایر بخش‌ها نیست بلکه عنصری است که در همه بخش‌ها شریان دارد. مقصود هگل از مشیت خدایی فرمانروایی عقل بر جهان است. روح جهانی مطابق است با روح خدایی که همان روح مطلق باشد. محتوای عقل، مثال خدایی، و در ذات خود، همان طرح مشیت خدا است. زیرا آنچه خدایی است در عقل نهفته است. مولانا نیز عقل را دارای انواع مختلف می‌داند و برای هر کدام کارکرد خاص تعریف می‌کند. عقل جزئی به مصلحت اندیشی معروف است و چندان با عشق سرسازگاری ندارد اما عقل کلی آدمی را از قید بندگی می‌رهاند و به مراتب عالی کمال می‌رساند. مولوی همچنین به توانایی‌ها و عدم توانایی‌های عقل در جای جای مثنوی اشاره کرده است و مرز بین عقل ممدوح و ایمانی و عقل مذموم و دنیوی را مشخص کرده است (Razavani Aval et al., 2015).

احمد اقبال، در پژوهشی که با عنوان «فلسفه تعلیم و تربیت فارابی» انجام دادند ضمن اشاره به معانی عقل از دیدگاه فارابی به این نتیجه‌گیری رسیده‌اند که از منظر فارابی، مظهر انسان کامل یعنی کسی که صاحب معرفت عقلانی عظیم و کردار اخلاقی بی‌عیب باشد، این امر باید یکی از اهداف بنیادین تعلیم و تربیت باشد. دومین هدف کلان تعلیم و تربیت همانا به وجود آمدن رهبران سیاسی است. این رهبران سیاسی قادرند مهارت‌ها و توانایی‌های خوبی را جهت رفاه و آسایش جامعه به کار گیرند. فارابی شخصی را عاقل می‌داند که صاحب خرد، شعور اجتماعی، فراست، شکیبایی، شجاعت، سخاوت و عدالت باشد (Iqbal et al., 2013).

روش شناسی پژوهش

نوع روش تحقیق: روش کیفی به کار رفته در این تحقیق، روش «گراند تئوری»^۳ با رویکرد تطبیقی - تحلیلی است.

روش‌های گردآوری داده‌ها: گردآوری داده‌ها در گراند تئوری به روش‌های متعددی از جمله مصاحبه^۴، بررسی اسناد^۵ و مشاهده^۶ حاصل شود که در پژوهش حاضر بررسی اسناد مد نظر بوده است.

ابزار گردآوری داده‌ها: پژوهش حاضر دارای منابع داده‌ها است که شامل اسناد (رساله‌ها و مقالات و کتب) است. برای بررسی اسناد مورد تحقیق و استخراج محتوای موردنظر محقق از فیش‌برداری استفاده نموده است.

جامعه تحقیق مورد مطالعه: در این پژوهش از اسناد داخلی و خارجی مربوط به تاریخ فلسفه، فلسفه غرب، نظرات فلسفی اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی، تعلیم و تربیت دینی، اسناد بالادستی و سند بنیادین آموزش و پرورش، سامانه دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های آنان، سامانه کتابخانه مرکزی، همچنین منابع علمی و پژوهش‌های داخلی و خارجی منتشر شده مرتبط با موضوع در دانشگاه اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، کتابخانه مرکزی خوزستان و غیره استفاده شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: در این پژوهش برای انجام تحقیق، تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش گراند تئوری استفاده شد (Flick, U., 2018).

یافته‌های تحقیق:

جایگاه فلسفی عقلانیت

| فیلسوف | مقوله «عقل، عاقل و عاقلانه» در نظریه فلاسفه |
|--------------|---|
| افلاطون | ۱۰۰۰/۱- درک عالم معقول بدون وساطت تصاویر و فقط به یاری ایده‌ها و مفاهیم مجرد با عقل ممکن است. ۱۰۰۰/۲- نائل شدن به درک حقایق کلی با عقل میسر است. |
| ارسطو | ۱۰۰۱/۳- دستیابی به سعادت ابدی در گرو حیات تعقلی است. ۱۰۰۱/۶- کسب فضایل عقلی به مثابه خلق و خوی و حالتی برای استدلال عقلانیت است. |
| سقراط | ۱۰۰۲/۱- عقلانیت خودانضباطی برای سنجیدن و رد کردن افکار نادرست و غیرواقعی و جایگزین کردن رشته جدید اصول پذیرفته شده برای عقل به جای این افکار نادرست و غیر واقعی است. ۱۰۰۲/۲- دستیابی به زندگی سعادت‌مندانانه با شناختن حقیقت از طریق عقل حاصل می‌شود. ۱۰۰۲/۳- عقل مایه امتیاز بشر است. |
| یوستینیوس | ۱۰۰۴- عقل واسطه و هدایت‌گر انسان به سوی خداست. |
| آنسلم قدیس | ۱۰۰۵/۲- عقلانیت یعنی توانا شدن عقل پس از ایمان آوردن شخص، برای دستیابی به شناخت و معرفت‌هایی که قبل از آن امکانش فراهم نبود. ۱۰۰۵/۲- رویت الهی با عقل امکان‌پذیر است. |
| اکویناس | ۲۰۰۱/۱- عقلانیت باعث هدایت انسان به سوی غایت طبیعی‌اش به سوی کمال انسانی است. ۲۰۰۱/۳- شناخت خداوند از طریق عقلانی ممکن می‌شود. ۲۰۰۱/۴- اثبات گزاره‌های دینی خردپذیر به وسیله عقل اتفاق می‌افتد. ۲۰۰۱/۵- عقل در اثبات گزاره‌های دینی خردگریز که در محدوده عقل قرار نمی‌گیرند و فراتر از عقل هستند ناتوان است. آنها را نه رد می‌کند و نه تأیید. برای فهم آنها باید از ایمان استفاده کرد. |
| ماکس وبر | ۲۰۰۲/۱- عقلانیت عملی؛ شیوه‌ای از زندگی برای پرداختن به کنش و علاقه فردی است. ۲۰۰۲/۱/۱- عقلانیت نظری؛ برای شناخت مفاهیم مجرد است نه از طریق فرآیند عمل. ۲۰۰۲/۱/۲- عقلانیت محتوایی برای بررسی کنش‌ها به طور مستقیم از طریق ارزش‌هاست. ۲۰۰۲/۱/۳- عقلانیت رسمی برای محاسبه هدفمند و موثر برای دستیابی به هدف است. ۲۰۰۲/۲- عقلانیت قانونی و رسمی، نوعی حاکمیت عقلانیت در نظام بروکراتیک جدید است که به نفی حاکمیت انسان و برقراری حاکمیت تکنولوژی می‌انجامد. |
| امانوئل کانت | ۲۰۰۳/۱- عقلانیت تجهیز ذهن انسان به تصورات نظم‌بخش برای تنظیم معرفت درباره اشیاء است. ۲۰۰۳/۲- ارائه استدلال ثابت در سه رکن ادیان، وجود خدا، اختیار و خلود نفس در توان عقل نیست. ۲۰۰۳/۵- عقلانیت یعنی نظم‌بخشی به ورودی‌ها و تصورات ذهن. ۲۰۰۳/۶- عقل برای ارائه راهنمایی در گزینش قواعد رفتار و عمل است اما هرگز خود این قواعد را برای ما فراهم نمی‌آورد. ۲۰۰۳/۸- عقلانیت داشتن مفاهیم و نمونه‌های عالی برای امکان کمال برخی افعال است. |
| هابرماس | ۲۰۰۴/۲- عقلانیت ارتباطی برای درک و فهم و برقراری ارتباط با دیگران و ایجاد تفاهم است. ۲۰۰۴/۲/۱- عقلانیت مفاهمه و تحقق فهم متقابل یا بینادذهنی است نه کنترل و تسلط بر دیگران. ۲۰۰۴/۳- فراهم کردن نظامی متشکل از مبانی، اصول و غایات که در یک چارچوب فرهنگی و تمدن خاص شکل یافته و سامان‌دهنده ذهنیات و رفتار افراد درون آن نظام از طریق عقل ممکن است. ۲۰۰۴/۴- عقل برای معرفی هدفی که بیش از هدف دیگر عقلانی است کاربرد دارد. معین کردن چگونگی ارضای خواهش‌ها، سازش دادن آنها با یکدیگر و یا خواهش برای همان چیز از سوی دیگران. |
| هورکهایمر | ۲۰۰۷/۱- عقل ذهنی برای اندیشیدن به وسایل نیل به اهداف نه به خود اهداف است. ۲۰۰۷/۱/۱- عقل عینی برای توجه به وسایل و بیشتر اندیشیدن به خود اهداف است. |

| | | |
|------------|--|--|
| | <p>۲۰۰۷/۱/۲- عقل ذهنی نه به معقول بودن اهداف، بلکه فقط به فواید هر چیزی برای نیل به اهداف می‌اندیشد.</p> <p>۲۰۰۷/۱/۳- عقل عینی بیشتر از وسایل به اهداف تکیه می‌کند.</p> <p>۲۰۰۷/۲- عقلانیت وسیله‌ای برای حسابداری در سرمایه‌داری است.</p> | |
| هیوم | <p>۲۰۱۰/۱- عقل غریزه‌ای حیرت‌انگیز برای ایجاد مجموعه معینی از تصورات در انسان است.</p> <p>۲۰۱۰/۳- کار عقل تعیین ابزارهای لازم برای نیل به اهداف است.</p> <p>۲۰۱۰/۵- عقل در انگیزه دادن به انسان برای عمل به تنهایی ناتوان است. عقل تعیین‌کننده هدف کارهای ما نیست بلکه وسیله مرتبطی است که می‌شود با آن به تعیین اهداف پرداخت.</p> | |
| جان لاک | <p>۲۰۱۱/۲- عقل کشف اتقان یا احتمال گزاره‌ها یا حقایقی است که ذهن از طریق احساس یا تعامل به دست می‌آورد. باید دلایل احتمالی را بررسی کند و با سنجش کافی آنها احتمال رد یا قبول با قاطعیت زیاد یا کم آن را بپذیرد یا رد کند.</p> <p>۲۰۱۱/۵- کار عقل کمک به انسان برای کشف قانون طبیعی هم برای تعقیب نفع شخصی و هم به منظور دفاع از نقش مناسب حکومت است.</p> | |
| آگوست کنت | <p>۲۰۱۲/۱- عقل نیرویی مادی و ابزاری در اختیار غرائز انفعالی است.</p> <p>۲۰۱۲/۲- عقل ابزار منفعل صرف برای زیستن حیوانی و ارضاء غرائز زیستی فردی و اجتماعی انسان است.</p> | |
| وبر | <p>۲۰۱۷/۱- عقلانیت کنش عقلایی هدفمند برای گرایش به مجموعه‌ای از اهداف مشخص فردی پیش‌بینی رفتار عوامل بیرونی و افراد دیگر است.</p> <p>۲۰۱۷/۲- عقلانیت کنش عقلایی ارزشی برای باور آگاهانه به ارزش یک رفتار اخلاقی، زیبایی‌شناختی، مذهبی و غیره برای توفیق بیرونی و فقط به خاطر خود است.</p> <p>۲۰۱۷/۳- عقلانیت کنش عاطفی ناشی از تمایلات خاص و وضعیت احساسی شخص است.</p> <p>۲۰۱۷/۴- عقلانیت کنش سنتی برای گرایش به سنت از طریق عادات طولانی مدت است.</p> <p>۲۰۱۷/۵- عقلانیت عملی برای اتخاذ شیوه زندگی دنیایی با لحاظ منافع فردی در وجه عملگرایانه است.</p> <p>۲۰۱۷/۶- عقلانیت نظری برای تضمین مهار کردن آگاهانه واقعیت است، نه از طریق کنش، بلکه از طریق ساختن مفاهیم انتزاعی دارای دقت فزاینده.</p> <p>۲۰۱۷/۷- عقلانیت ذاتی برای هدایت مستقیم کنش به سوی الگوست.</p> <p>۲۰۱۷/۸- عقلانیت صوری مرتبط با عرصه‌های زندگی (اقتصاد، حقوق و علم) و ساختار سلطه (شکل دیوانسالارانه) است.</p> | |
| فوکو | <p>۲۰۱۸/۳- برنامه‌ریزی و هدایت مجموعه‌ای از رفتار انسانی عقلانی است.</p> | |
| اسپینوزا | <p>۲۰۲۰/۱- عقل برای شکافتن زمان و کنار زدن پرده‌ها برای نمایان شدن چهره حقایق سرمدی است. یعنی چهره جوهری یگانه و واحد که علت خود و قائم به ذات است، لایتغیر و لایتناهی و کامل است و در نتیجه کمال وجود است، عین وجود واجب‌الوجود است.</p> <p>۲۰۲۰/۱/۱- عقل توان دستیابی به سر منشأ حقایق است.</p> | |
| ولف | <p>۲۰۲۱- عقل عامل اخلاق و برانگیزاننده عمل اخلاقی است.</p> | |
| پلاتیننگاه | <p>۲۰۲۴/۱- عقلانیت یعنی توان دادن به انسان تا فکر کند، دلیل بیاورد و به معرفت برسد.</p> <p>۲۰۲۴/۲- عقلانیت احکام نیرویی است که به واسطه آن می‌توان درستی قضایای بدیهی اولی را دریافت و باورهای خود را با احکام عقلی تطبیق داد.</p> <p>۲۰۲۴/۳- عقلانیت وظیفه شناختی برای عمل کردن به وظایف معرفتی است. یعنی انسان نهایت تلاش خود را بکند که حقایق مهم را باور کرده و تا آنجا که ممکن است از خطاهای مهم بپرهیزد.</p> <p>۲۰۲۴/۴- عقلانیت هدف - وسیله به معنی این است که انسان با توجه به اهداف ویژه‌ای که دارد، کارهای متناسب با آنها انتخاب کند. عقلانیت در اینجا وصف کار قرار می‌گیرد.</p> <p>۲۰۲۴/۵- عقلانیت کاربرد صحیح برای پرهیز از هر نوع گیجی بیمارگونه یا حواس پرتی و بیماری ذهنی است. شرط عقلانیت در این معنا به کارکرد صحیح قوای عقلانی است.</p> | |
| پاسکال | <p>۲۰۲۸/۱- پرداختن به عقل عامل از بین بردن تصویر دوست داشتنی خداوند توسط فیلسوفان است. اگر آنان نبودند انسان‌ها از طریق ایمان و دل، تصویری دل‌انگیزتر و بهتری از خداوند می‌یافتند.</p> | |

| | |
|--|----------------|
| <p>۲۰۲۸/۲- شخصی که دارای اعتقاد بیش از حد است دچار رذیلت ساده لوحی یا زودباوری است و شخصی که دارای اعتقاد کمتر از حد تعادل است مبتلا به شکاکیت یا ناباوری افراطی است. برای فضیلت که حد وسط میان دو رذیلت ساده‌لوحی و شکاکیت است، هیچ نامی وجود ندارد که مقبول همگان باشد، جز عقلانیت.</p> <p>۲۰۲۸/۴- عقل نمی‌تواند به هر جایی از جمله مفاهیم الهی راه یابد. البته اگر عقلی سلیم باشد خود به این ناتوانی خود اقرار می‌کند.</p> <p>۲۰۲۸/۶- عقل در اثبات یا انکار وجود خداوند ناتوان است لذا باورهای دینی معقول هستند.</p> | |
| <p>۲۰۲۹- عقل مانعی برای شناخت صحیح خداوند است و در شناخت خداوند ناتوان است. هر تفکری که بر عقل تکیه داشته باشد و از عقل آغاز کرده باشد نمی‌تواند به شناخت خداوند دست یابد.</p> | کارل بارت |
| <p>۲۰۳۰- از طریق عقل نمی‌توانیم به شناخت خداوند پی ببریم و خدایی که از طریق عقل شناخته می‌شود نمی‌تواند معرف خدای نجات‌بخش مسیحی باشد.</p> | پلاچر |
| <p>۲۰۳۹- تمامی انسان‌ها از قوه مغزی و تخیل بهره‌مند هستند. هر شخصی با تکیه بر توان عقلی خود به نتیجه واحد و یکسانی دست می‌یابد و اگر تمایزی هم وجود داشته باشد با مدد از عقل مرتفع می‌گردد.</p> | سولومون |
| <p>۲۰۴۲- عقلانیت توانایی منطقی اندیشیدن و محاسبه و استنتاج کردن است.</p> | آربلاستر |
| <p>۳۰۰۰/۱- عقل نظری به شناخت روش‌مند هستی‌ها می‌پردازد و عقل عملی شناخت روش‌مند کلی نسبت به ارزش‌هاست و احکام تجویزی صادر می‌کند که هر کدام مراتبی دارد.</p> <p>۳۰۰۰/۲- انسان با بهره‌مندی از عقل هیولایی فقط از حیوان تمیز داده می‌شود.</p> <p>۳۰۰۰/۴- عقل بالملکه؛ برای درک ضروریات و بدیهیات و کسب نظریات.</p> <p>۳۰۰۰/۵- عقل بالفعل؛ برای اکتساب علوم نظری و اکتسابی.</p> <p>۳۰۰۰/۶- عقل مستفاد غایت خلقت انسان است و رسیدن به عقل مستفاد یعنی مشاهده عقلیات و اتصال به ملاً اعلا.</p> <p>۳۰۰۰/۷- عقل قدسی؛ بالاترین مرتبه عقل است و صاحب آن از ارتباطی مستقیم و حضوری با حقایق عقلی بهره‌مند است. حقایقی را که دیگران با روش‌های مفهومی و برهانی دریافت می‌کنند به طور مستقیم می‌یابد.</p> <p>۳۰۰۰/۸- عقل عملی؛ برای سوق دادن انسان به کار سزاوار. انسان را به اعمال خویش تحریک می‌کند. در معنای اولی قوه شناخت و در دومی اراده و عمل کردن است. مراتب آن به نحو اجمال عبارتند از:</p> <p>۳۰۰۰/۸/۱- تجلیه: تهذیب ظاهر که با عمل کردن به آداب شریعت حاصل می‌گردد.</p> <p>۳۰۰۰/۸/۲- تخلیه: تهذیب باطن که با پرهیز از اخلاق زشت، ملکات بد و خواطر شیطانی مانند بخل، حسد و کینه به دست می‌آید.</p> <p>۳۰۰۰/۸/۳- تحلیه: در این مرتبه قلب پس از تخلیه از رذایل اخلاقی با صور علمی و معارف حقه و ایمانی روشن و آراسته می‌گردد.</p> <p>۳۰۰۰/۸/۴- فنا: آخرین مرحله عقل عمل است که نفس انسان به مدد آن همه چیز را مستهلک و فانی در خداوند می‌بیند و نهایت سیر الی الله است.</p> <p>۳۰۰۰/۱۲- عقل عنصری است که با تمام خلوص ادراک می‌کند و هرگز دروغ نمی‌گوید.</p> <p>۳۰۰۰/۱۸- عقل عملی به پدیده‌های صناعی و اخلاقی مربوط است و خوب و بد و زشت و زیبا و نفع و ضرر را در جزئیاتشان از یکدیگر مشخص می‌سازد و در سوی دیگر عقل نظری به پدیده‌های عملی می‌پردازد و صحیح و ناصحیح و نیز واجب و ممکن و ممتنع را در کلیت آنها از یکدیگر مشخص می‌کند.</p> | ابن سینا |
| <p>۳۰۰۱/۱- عقلانیت توانایی انتقال از حیات طبیعی محض به حیات معقول است.</p> | علامه جعفری |
| <p>۳۰۰۳/۱- عقل هدایتگر انسان به سوی اعمال صالح و حقایق معارف است.</p> <p>۳۰۰۳/۲- عقل راه نیل به حق و شناخت حقایق را میسر می‌کند.</p> <p>۳۰۰۳/۳- ادراک تمایز میان صلاح و فساد و حق و باطل و صدق و کذب از طریق عقل است.</p> <p>۳۰۰۳/۴- تشخیص خیر و شر در حوزه عملیات و حق و باطل در حوزه نظریات با عقل ممکن می‌شود.</p> <p>۳۰۰۳/۹- منطلق احساس، آدمی را به سود دنیوی فرا می‌خواند و بر می‌انگیزاند ولی منطلق تعقل انسان را به پیروی از حق وا می‌دارد.</p> | علامه طباطبایی |

| | |
|-------------|--|
| غزالی | <p>۳۰۰۴/۱- عقل منبع و مطلع و اساس است و وسیله سعادت دنیا و آخرت.</p> <p>۳۰۰۴/۲- ادراک حقایق امور و تمیز بین خیرات و شرور و امر به افعال پسندیده و نهی از صفات زشت از طریق عقل است.</p> <p>۳۰۰۴/۳- شریعت با عقل درک می‌شود، اگر عقل مذموم باشد، شرع نیز مذموم است، زیرا با عقلی که قابل اعتماد نیست درک شده است.</p> <p>۳۰۰۴/۵- عقل پس از اصل دین بازنشسته می‌گردد، عقل صرفاً آورنده علوم دینی را تصدیق و سپس خود را معزول می‌سازد مانند فردی که مریضی را به طبیب ماهر می‌رساند ولی پس از آن دیگر کاری از او ساخته نیست. یعنی ادراکات عقل محدود است و عقل از شناخت علوم دینی عاجز.</p> <p>۳۰۰۴/۷- دستیابی به معرفت خدا و صدق پیامبران با عقل امکان‌پذیر است.</p> <p>۳۰۰۴/۱۱- عقلانیت توان فراگیری و کسب علوم نظری که وجه تمایز انسان و حیوان است؛ درک بدیهیات اعم از ممکن و محال و انجام مقایسات کمی محدود؛ عقل یعنی مجربات و سایر علوم که برای انسان حاصل شده؛ عقل تعالی استعداد غریزی انسان به حدی که عاقبت‌اندیش شده و به شهوات زودگذری غالب گردیده به طوری که عواقب امور را بتواند درک کند و بر اساس آن عمل نماید.</p> <p>۳۰۰۴/۱۳- عقل می‌تواند ذات و صفات خود را مورد تعقل قرار دهد و در عین حال می‌تواند به همین معرفت خود علم حاصل کند. همچنین عقل می‌تواند در یک طرفه‌العین همه عالم را تعقل کند. عقل می‌تواند به ماهیت و ذات درونی اشیاء راه یابد و اشیاء نامتناهی مثلاً اعداد نامتناهی را درک کند. اگر عقل از بند محسوسات صور خیالی آزاد شود، خطاناپذیر است.</p> <p>۳۰۳۳- انبیاء طبیبان دل‌اند. فایده و وظیفه عقل تنها این است که این حقیقت را تشخیص دهند و به مقام نبوت اعتراف و به ناتوانی خود از درک امور که جز با چشم نبوت نتوان ادراک کرد اقرار و تصدیق کند، دست ما را بگیرد و به مقام نبوت تصدیق کند.</p> |
| شیخ طوسی | <p>۳۰۰۵- عقل امر نیک را قبول و قبیح را انکار می‌نماید. مجموع دانش‌هایی است که انسان را از زشتی‌های بی‌شمار باز داشته و به انجام واجبات بسیار وا می‌دارد.</p> |
| طبرسی | <p>۳۰۰۶- بازداری از زشتی‌ها و واداشتن به انجام واجبات دقیقاً مطابق کارکرد دین توسط عقل محقق می‌شود.</p> |
| شیخ عبده | <p>۳۰۰۷- عقلانیت میزان قسط و ابزار تمایز تصورات و تصدیقات است.</p> |
| زکریای رازی | <p>۳۰۱۰/۱- عقلانیت توانایی دستیابی به بزرگترین خواسته‌ها و مقاصد است.</p> <p>۳۰۱۰/۱/۱- شناخت پروردگار به کمک عقل ممکن است.</p> <p>۳۰۱۰/۱/۲- کار عقل جداسازی امور صحیح و سودمند از سقیم و زیان‌آور است.</p> <p>۳۰۱۰/۱/۳- اثبات وجود خداوند با عقل بدون نیاز به نبوت و پیام آسمانی ممکن نیست.</p> <p>۳۰۱۰/۱/۴- ترسیم برنامه مطلوب برای زندگی در سایه رهبری و راهنمایی عقل اتفاق می‌افتد.</p> |
| ملاصدرا | <p>۳۰۱۱/۱- عقل تا هنگامی که ناقص است نه تنها به یاری دین نمی‌پردازد بلکه اشخاص ناقص‌العقل فساد و شرشان برای دین بسی بیشتر از سودشان است.</p> <p>۳۰۱۱/۱۳- انسان‌ها با عقل و خردورزی خویش پروردگارشان را می‌شناسند و عاقل به سبب دلالت عقلش پی می‌برد که خداوند حق است.</p> <p>۳۰۱۱/۱۵- عقل معرفت احوال مبدأ و معرفت معاد را فراهم می‌کند.</p> <p>۳۰۱۱/۱۷- هرچه خرد انسان‌ها کامل‌تر و بیشتر شکوفا گردد، فهمشان به واقع نزدیک‌تر خواهد بود.</p> <p>۳۰۱۱/۲۳- شأن عقل ادراک همه اشیاست. قوه عاقله آدمی به حسب ذاتش قابلیت درک حقیقت همه علوم و معارف را دارد.</p> <p>۳۰۱۱/۲۴- عقل ناقص خدمتگذار هوای نفس بوده، همواره با آن مأنوس است و همیشه به استنباط حیل مشغول و به مساعده‌های نفس می‌پردازد.</p> <p>۳۰۱۱/۲۵- عقل انسانی از درک مصالح و مفاسد مذکور و نیز چرایی و ارتباط بسیاری از اوامر و نواهی شرعی با گزاره‌های بنیادین اعتقادی ناتوان است.</p> |

| | |
|---|-------------|
| <p>۳۰۱۱/۲۵/۱- خدای تعالی، اشیایی را بر بندگانش حلال و برخی از اشیاء را بر آنها حرام کرد. عقول بشری از درک چرایی این تحلیل و تحریم و شناخت چگونگی امور حلال و حرام ناتوان است. ۳۰۱۱/۲۹- عقل انسانی توانایی‌هایی همچون تجربه، تحلیل و ترکیب امور دارد.</p> | |
| <p>۳۰۱۳/۶- عقل در برخی موارد قادر به تحصیل معرفتی که لازمه سعادت باشد نیست و خارج از قلمرو عقلی حیطه وسیعی وجود دارد که عقل نمی‌تواند به آن دست یابد.</p> | ابن رشد |
| <p>۳۰۱۴- عقل نیرویی؛ که بدان خوبی‌ها و بدی‌ها و تفاوت‌ها و زمینه‌های آن شناخته گردد و این، معیار تکلیف شرعی است. عقل ملکه‌ای؛ که به انتخاب خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها فرا می‌خواند. تعقل و دانستن؛ در برابر جهل و نادانی قرار می‌گیرد، نه در برابر دیوانگی.</p> | حر عاملی |
| <p>۳۰۱۵/۱- عقل، نیرو و قوه‌ای است که منشأ ادراک امور و تمیز خیر و شر است و زمینه معرفت و شناخت علل امور و نیز موانع و شرایط تأثیر آنها است. ۳۰۱۵/۱/۱- عقل ملاک تکلیف ثواب و عقاب اعمال است. ۳۰۱۵/۲- عقل، آن ملکه و حالت نفسانی است که انسان را به سوی خیر و خوبی فرا می‌خواند و به انتخاب آن دعوت می‌نماید و در نتیجه از بدی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارد. ۳۰۳۴- به وسیله عقل می‌توان اسباب امور را شناخت و به آنها معرفت پیدا کرد و همچنین به چیزهایی که به عقل منجر می‌شود و یا از دستیابی به عقل مانع می‌شود، معرفت یافت و عقل بدین معنا ملاک تکلیف و ثواب و عقاب است. ۳۰۳۴/۱- عقل ناطقه انسان است که به وسیله آن آدمی از سایر حیوانات متمایز می‌شود.</p> | علامه مجلسی |
| <p>۳۰۱۶- عقل غریزی که قوه پذیرش علم است و عقل مستفاد، چیزی است که این قوه پذیرش به وسیله آن تقویت می‌گردد.</p> | ابن حسام |
| <p>۳۰۱۷/۱- عقل نظری آن است که انسان بدان علم چیزی را فرا گیرد که شأنش عمل نیست و عقل عملی آن است که بدان شناخته می‌شود چیزی که انسان به اراده خویش بدان عمل می‌کند. ۳۰۱۷/۲- استدلال‌های عقلانی این توان را دارند قوانین را بفهمند و مطابق هاضمه و فاهمه عقل بشری بسازند. ۳۰۱۷/۲/۱- قبول براهین عقل خصیصه مشترک تمام انسان‌هاست. ۳۰۱۷/۸- عقل جزئی از نفس است که با دقت در یکایک اشیاء و شناخت و دقت در ماهیت یکایک اجناس اشیاء به فعلیت می‌رسد و کمال می‌یابد. ۳۰۱۷/۱۰- انسان کارهای خود را از روی عقل انجام دهد و باید تعقل کامل سلیم و ورزیده داشته باشد تا به نهایت کمال و سعادت نائل آید. ۳۰۱۷/۱۱- قوه ناطقه برترین قوه آدمی است و عامل رسیدن فرد به سعادت. ۳۰۱۷/۱۲- انسان‌ها برای ابراز عاطفه و احساسات و کنترل آنها از قدرت درک خود کمک می‌گیرند، سپس تحت نفوذ قدرت عقلانی خویش قرار دارند. ۳۰۱۷/۱۵- تشخیص افعال خیر و شر با عقل است. ۳۰۱۷/۱۵/۱- استنباط و جستجوی علوم و صناعات کار عقل است. ۳۰۱۷/۱۵/۲- بازشناسی افعال زشت از زیبا با عقل اتفاق می‌افتد. ۳۰۱۷/۱۷- عقل قوه‌ای است که به وسیله آن علم‌الیقین حاصل می‌شود نه بالطبع با بحث و نه با قیاس. ۳۰۱۷/۱۸- قوه عقلیه عبارت است از نیرویی که با استناد به اراده انسان به امری که مورد عمل واقع می‌شود، معرفت حاصل می‌نماید. ۳۰۱۷/۱۹- قوه نظری آموزنده علوم و قوه عملی بکارگیرنده آن دانش‌هاست. ۳۰۱۷/۲۶- عقل که مفکره نیز نام دارد نیرویی ورای حواس ظاهری و مدبر و حاکم بر قوای مصوره است، عقل قادر بر ادراک حقایق و مفاهیم است.</p> | فارابی |
| <p>۳۰۲۱/۸- عقل توان ادراک ذات خداوند و کنه صفات خدا که عین ذات اوست را ندارد.</p> | جوادی آملی |

| | |
|---|-------------------|
| ۳۰۲۱/۸/۱- عقل توان درک جرئیات دین را نیز ندارد و تنها در زمینه‌های کلی دین همانند چراغی مناطق کلی را روشن می‌سازد، اما در جزئیات دین حق دخالت ندارد و احکام جزئی دینی مانند تعداد رکعات نماز و بسیاری از جزئیات اصول و فروع دین را درک نمی‌کند و در این موارد عقل، عبد محض است. | |
| ۳۰۲۱/۹- عقل نظری جنبه ادراکی انسان است که از آن بعد مطالب را می‌یابد و می‌فهمد. | |
| ۳۰۲۱/۹/۱- آنچه انسان از معلم و از مبادی عالیه درک می‌کند و می‌پذیرد، به وسیله عقل نظری ادراک می‌کند و آنچه انجام می‌دهد و در مادون اثر می‌گذارد، به وسیله عقل عملی است. | |
| ۳۰۲۴- اصل عقل بندکردن و باز ایستادن است. عقل در انسان نیرویی است که آماده پذیرش علم است و نیز علمی است که از این نیرو به دست می‌آید و از این طریق مانع پیمودن راه خطا می‌شود. | راغب اصفهانی |
| ۳۰۲۵- عقل، ادراک مانع از خطاست. | قاضی اندلسی |
| ۳۰۲۷/۲- عقل در مقام اکتساب قادر به کسب معرفت نیست. | ابن عربی |
| ۳۰۳۱/۴- قلمرو عقل محدود است و عقل تنها در حوزه مفاهیم کلی حکم می‌کند. عقل به برخی از واقعیت‌ها دسترسی ندارد چون خارج از محدوده او هستند. | مصباح یزدی |
| ۳۰۳۵- عقل معیار سنجش درستی است که احکام آن یقینی می‌باشد و کذبی در آن نیست. | ابن خلدون |
| ۳۰۳۸/۱- تقویت بعد عقلانی وجود آدمی باعث هدایت او به سمت واقعیت هستی شده و عقل جز در تحت لوای علم شکوفا نمی‌شود. | شریعتمداری |
| ۳۰۳۹/۲- عقل در صورت تام خود مستلزم انسجامی وجودی میان شناخت، عاطفه، انتخاب و عمل فرد است. | باقری |
| ۳۰۳۹/۳- عقل یک ظرفیت ویژه آدمی است که وی به کمک آن می‌تواند علاوه بر تدبیر امور معیشتی خود، به درک حقایقی از جهان نایل شود و برحسب آنها فهم و تفسیر معینی نسبت به پدیده‌های جهان بیابد. | |
| ۳۰۳۹/۳/۱- عقل با در دست داشتن برخی نشانه‌ها و شواهد، حقایقی را درباره خدا درمی‌یابد. | |
| ۳۰۳۹/۵- توانایی عقل در دریافت حقایق هستی مطلق نیست، زیرا برخی از حقایق جهان برای عقل دست نیافتنی محسوب شده است. | |
| ۱۰۰۰/۷- فلسفه اوج تربیت عقلانی است. در مرحله عالی تربیت عقلانی فرد عاقل فردی است که به «ایده نیک» نائل می‌شود. | افلاطون |
| ۱۰۰۱/۱- همه افراد انسانی موجودات عاقل‌اند، یعنی توانایی و قابلیت اتصاف به عقلانیت را دارند، اما عقلانیت بالفعل را زمانی دارا می‌شوند که با تحلیلات (قیاس و برهان) به حقایق اشیاء راه یابند و به فعلیت محض نائل گردند. | ارسطو |
| ۱۰۰۲/۲- انسان عاقل در اثر تربیت عقلانی به زندگی سعادت‌مندانه دست می‌یابد و این نیز تنها با شناختن حقیقت به دست می‌آید. | سقراط |
| ۳۰۱۷/۵- انسان عاقل انسانی است که از نیکویی انتخاب و پرهیز از کردار ناشایست برخوردار است. | فارابی |
| ۳۰۱۷/۶- عاقل کسی است که هر چیز را در جای شایسته خود قرار دهد. | |
| ۳۰۱۷/۱۱- انسان عاقل یعنی کسی که صاحب معرفت عقلانی عظیم و کردار اخلاقی بی‌نقص باشد. معرفت عقلی بالاترین ارزش را دارد. | |
| ۳۰۲۶- انسان عاقل معنایش این است که نفس خود را از آنچه مقتضای طبیعت شهوانی است باز می‌دارد. | ابوالبرکات بغدادی |

بحث و نتیجه‌گیری

داده‌های به دست آمده نشان می‌دهند که مفهوم عقلانیت در ۳۴۰ کد از دیدگاه ۹۳ فیلسوف و اندیشمند ذکر گردیده و مطرح شده‌اند. از تحلیل داده‌ها می‌توان کاربردهای زیر را برای نقش عقل در تعلیم و تربیت بر اساس نظرات فلاسفه استخراج کرد:

عقل، معیاری برای پذیرش ساختار تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت دارای نظام، محتوی، روش و هدف است. این مفاهیم و مؤلفه‌ها در هر جایی از دنیا با یکدیگر دارای تفاوت‌ها و تشابهاتی هستند. درک این ساختار و این خصوصیات و ویژگی‌ها به کمک عقل امکان‌پذیر می‌گردد. ادراک ساختار باعث سازگاری بهتر عوامل تعلیم و تربیت با شرایط موجود می‌گردد. این امر در نظرات فلاسفه قابل دریافت است از جمله:

ماکس وبر (۲۰۰۲/۱/۳): محاسبه هدفمند، ماکس وبر (۲۰۰۲/۲): نظام بروکراتیک، کانت (۲۰۰۳/۶): قواعد رفتار و عمل، کانت (۲۰۰۳/۸): امکان کمال افعال، هابرماس (۲۰۰۴/۲): ایجاد ارتباط و تفاهم، هابرماس (۲۰۰۴/۳): سازماندهی ذهنیات، هورکهایمر (۲۰۰۷/۱): اهداف و وسایل، جان لاک (۲۰۱۱/۵): منسب‌ها در حکومت، وبر (۲۰۱۷/۱): پیش‌بینی عوامل و امکانات، وبر (۲۰۱۷/۷): هدایت کنش به الگو، فوکو (۲۰۱۸/۳): هدایت رفتار انسانی، پلاتینگاه (۲۰۲۴/۳): عمل به وظایف، پلاتینگاه (۲۰۲۴/۴): کار متناسب با هدف، پلاتینگاه (۲۰۲۴/۵): کارکرد صحیح قوا، آریلاستر (۲۰۴۲): منطق فکر و محاسبه، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۱): صدور احکام تجویزی، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸): اراده و عمل، ابن‌سینا (۳۰۳۳): اعتراف به لزوم نبوت، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۴/۱): ترسیم برنامه، ابن‌سینا (۳۰۱۱/۹): تجزیه و تحلیل امور، فارابی (۳۰۱۷/۱۲): کنترل عاطفه و احساس.

عقل، ابزار برای تهذیب در تعلیم و تربیت

تزکیه و تهذیب یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت است. برای رسیدن به این هدف تعلیم و تربیت نیازمند مؤلفه مهمی به نام عقل است. بنابراین، استفاده از عقل در این جهت مورد توجه و تأکید فلاسفه بوده و نظرات آنان مبین این امر است. از جمله: سقراط (۱۰۰۲/۱): جایگزین کردن درست، اسپینوزا (۲۰۲۰/۱): کنار زدن پرده‌ها، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۱): تهذیب ظاهر، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۲): تهذیب باطن، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۳): تخلیه رذایل، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۸/۴): سیر الی الله، ابن‌سینا (۳۰۰۳/۲): خلوص در ادراک، ابن‌سینا (۳۰۰۳/۳): تمایز حق و باطل، ابن‌سینا (۳۰۰۳/۲): تمایز خیر و شر، فارابی (۳۰۰۷/۱۵): پرهیز از ناشایست.

عقل، ابزاری برای ایجاد تعامل در تعلیم و تربیت

پرورش انسان اجتماعی و دارای توان تعامل با دیگران از اهداف تعلیم و تربیت است. برای تربیت چنین انسانی تعلیم و تربیت از عقل بهره می‌برد. فلاسفه ای که در این مورد اظهار نظر داشته‌اند عبارت‌اند از: سقراط (۱۰۰۲/۱): خودانضباطی، ماکس وبر (۲۰۰۲/۱۱): عقلانیت محتوایی، هابرماس (۲۰۰۴/۲): عقلانیت ارتباطی، هابرماس (۲۰۰۴/۴): خواهش فرد و دیگران، هورکهایمر (۲۰۰۷/۲): حساسگری سرمایه‌داری، وبر (۲۰۱۷/۱): کنش عقلایی هدفمند، وبر (۲۰۱۷/۴): عقلانیت کنش سنتی، فارابی (۳۰۱۷/۶): هر چیز در جای شایسته.

عقل، ابزاری برای هدایت به خیر در تعلیم و تربیت

یکی از روش‌های تعلیم و تربیت روش هدایت است. هدایت به دو صورت راهنمایی و همراهی با شاگردان اتفاق می‌افتد. تعلیم و تربیت برای اجرای امر هدایت نیازمند عقل بوده و از آن بهره می‌برد. نگاه فلاسفه نیز در این مورد چنین است از جمله:

ارسطو (۱۰۰۱/۶): کسب فضایل عقلی، ارسطو (۱۰۰۲/۳): مایه امتیاز بشر، آکویناس (۲۰۰۱/۱): هدایت کمال انسانی، ماکس وبر (۲۰۰۲/۱): عقلانیت عملی، ماکس وبر (۲۰۰۲/۱/۳): عقلانیت رسمی، ماکس وبر (۲۰۰۲/۲): عقلانیت قانونی، ولف (۲۰۲۱): برانگیزاننده عمل اخلاقی، آریلاستر (۲۰۴۲): توان محاسبه و استنتاج، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۷): عقل قدسی، علامه مجلسی (۲۰۰۲/۱): فراخوان خیر و خوبی، فارابی (۳۰۱۷/۱۱): برترین قوه آدمی، فارابی (۳۰۱۷/۱۷): حصول علم‌الیقین.

عقل، ابزاری برای پیشرفت در تعلیم و تربیت

هدف تعلیم و تربیت رشد، پیشرفت و ترقی است. برای این امر نیازمند عقل و انسان‌های عاقل است تا اهداف رشد را محقق نماید. این موضوع در نگاه فیلسوفان هم قابل دریافت است. از جمله: هیوم (۲۰۱۰/۳): تعیین ابزار اهداف، جان لاک (۲۰۱۱/۵): کشف قوانین طبیعی، ابن‌سینا (۳۰۰۰/۵): عقل بالفعل و کسب علم، غزالی (۳۰۰۴/۱۱): توان فراگیری علوم، علامه مجلسی (۲۰۱۰/۳): شناخت اسباب امور، فارابی (۳۰۱۷/۱): فراگیری علم، فارابی (۳۰۱۷/۱۵/۱): استنباط علم و صنعت، فارابی (۳۰۱۷/۱۹): آموزنده علوم، خسرو باقری (۳۰۱۷/۱): تدبیر امور معیشت.

عقل، ابزاری برای تشخیص درست و نادرست در تعلیم و تربیت

رشد قوه قضاوت صحیح نیز یکی از اهداف تعلیم و تربیت است. نقطه ای که امید می‌رود شاگردان در جریان تعلیم و تربیت به آن برسند ابزار تشخیص درست و نادرست عقل است و به سدت مورد استفاده انسان و تعلیم و تربیت است. فیلسوفان مختلفی نیز بر این موضوع تأکید داشته‌اند. از جمله:

افلاطون (۱۰۰۰/۱): درک بدون واسطه، افلاطون (۱۰۰۰/۲): درک حقایق کلی، افلاطون (۱۰۰۰/۷): ایده نیک فرد عاقل، ارسطو (۱۰۰۱/۳): دستیابی سعادت ابدی، ارسطو (۱۰۰۱/۶): کسب فضایل عقلی، ارسطو (۱۰۰۱/۷): اتصاف به عقلانیت، سقراط (۱۰۰۲/۱): خودانضباطی عقلی سقراط (۱۰۰۲/۲): زندگی سعادت‌مندانه، یوستینوس (۱۰۰۱/۶): هدایتگر سوی خدا، آنسلم قدیس (۱۰۰۵/۲): رویت الهی، آکویناس (۲۰۰۱/۴): اثبات گزاره خردپذیر، کانت (۲۰۰۳/۸): نمونه اعلی امکان کمال، اسپینوزا (۲۰۰۳/۸): دستیابی به منشأ حق، سولومون

(۲۰۰۳/۸): کسب نتایج واحد، ابن سینا (۳۰۰/۱): شناخت‌روشمند هستی، ابن سینا (۳۰۰/۶): عقل مستفاد، علامه طباطبایی (۳۰۰۳/۸): هدایت عمل صالح علامه طباطبایی (۳۰۰۳/۴): تشخیص خیر و شر، غزالی (۳۰۰۴/۱): سعادت دنیا و آخرت، غزالی (۳۰۰۴/۳): عقل مذموم - شرع مذموم، رازی (۳۰۱۰/۱): دستیابی مقاصد بزرگ، رازی (۳۰۱۰/۱۱): شناخت پروردگار، رازی (۳۰۱۰/۱۲): تمیز صحیح و سقیم، ملاصدرا (۳۰۱۱/۱۳): دلالت عقل و خردورزی، فارابی (۳۰۱۷/۲): فهم قانون با استدلال، فارابی (۳۰۱۷/۱۵): تشخیص فعل خیر و شر، فارابی (۳۰۱۷/۲/۱۵): شناخت زشت و زیبا، قاضی اندلسی (۳۰۱۷/۲): ادراک مانع از خطا، ابن خلدون (۳۰۱۷/۲): معیارسنجش درستی.

عقل، ابزار برای درک ناتوانی های عقل در تعلیم و تربیت

عقل به تنهایی منبع قابل اعتمادی برای شناخت نیست و باید در کنار آن از سایر منابع معرفتی نیز استفاده کرد. درک محدودیت‌های عقل و استمداد از سایر منابع تنها از انسان‌های عاقل برمی‌آید. لذا فلاسفه بر این امر تأکید داشته‌اند که اقرار به ناتوانی عقل از براهین وجود عقل است. از جمله:

آکویناس (۲۰۰۱/۵): گزاره‌های خردگریز، کانت (۲۰۰۳/۲): استدلال ثابت، هیوم (۲۰۰۱/۵): انگیزه برای عمل، پاسکال (۲۰۲۸/۴): اقرار به ناتوانی مفاهیم، پاسکال (۲۰۲۸/۶): اثبات یا انکار، کارل بارت (۲۰۲۹): مانع شناخت خدا، غزالی (۳۰۰۴/۵): عقل بازنشسته و معذول زکریای رازی (۳۰۱۰/۱/۳): نیازمند نبوت، ملاصدرا (۳۰۱۱/۱): فساد دین بیش از سود، ملاصدرا (۳۰۱۱/۲۴): خدمتگذار هوای نفس، ابن رشد (۳۰۱۳/۶): معرفت لازمه سعادت، جوادی آملی (۳۰۲۱/۸): ناتوان ادراک ذات، جوادی آملی (۳۰۲۱/۸/۱): ناتوان در جزئیات صباح یزدی (۳۰۳۱/۴): محدودیت قلمرو، خسرو باقری (۳۰۳۹/۵): دست‌نیافتنی‌ها.

عقل، ابزار برای هدایت انسان‌ها در تعلیم و تربیت

هدایت‌گری و هدایت‌پذیری مستلزم وجود عقل است. تعلیم و تربیت از عقل استفاده می‌نماید تا معلمان را هدایتگر و شاگردان را هدایت‌پذیر نماید. نظرات فیلسوفان زیر این گونه است:

آکویناس (۲۰۰۱/۱): هدایت به سوی کمال، هابرماس (۲۰۰۴/۲): ارتباط با دیگران، جان لاک (۲۰۱۱/۵): کمک به انسان، فوکو (۲۰۱۸/۳): هدایت رفتار انسانی، ابن سینا (۳۰۰۰/۸): هدایت به کار سزاوار، وبر (۲۰۱۷/۱): پیش‌بینی رفتار افراد دیگر.

عقل، ابزار فهم در تعلیم و تربیت

اصل فهم یکی از اصول مهم یادگیری است. فهم در واقع تسلط بر دانش دریافتی است. تا تسلط حاصل نگردد دانش به کار برده نخواهد شد. لذا تعلیم و تربیت از عقل برای فهم استفاده خواهد کرد. نظرات فیلسوفان در این مورد قابل ذکر است:

هابرماس (۲۰۰۴/۲/۱): فهم بینادنی، پلاتینگاه (۲۰۲۴/۳): پرهیز از خطای مهم، پلاتینگاه (۲۰۲۴/۴): عقلانیت‌هدف وسیله، پلاتینگاه (۲۰۲۴/۵): کاربست قوای عقل، پاسکال (۲۰۲۸/۲): رفع‌ذیلت و شکاکیت، سولومون (۲۰۳۹): رفع تمایزات با عقل، طبرسی (۳۰۰۶): کارکرد دینی با عقل، ملاصدرا (۳۰۱۱/۲۵/۱): فهم حلال و حرام، مجلسی (۳۰۱۵/۱/۱): ملاک‌ثواب و عقاب.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تامین شد.

مشارکت نویسندگان

طراحی و ایده پردازی: علی روشنی زاده؛ روش‌شناسی و تحلیل داده‌ها: محمود عبدوند؛ نظارت و نگارش نهایی: جهانبخش رحمانی.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Adelzadeh Naeini, F. (2019). "Analysis of rationality from Al-Farabi's perspective and presentation of a rational education model". (In Persian)
- Asghari, S. M. (2005). "Fiqh and rationality". Research Journal of New Religious Thought. (In Persian)
- Avicenna. (1400 AH). "The letters of Avicenna". Qom: Bidar Publications. (In Persian)
- Bagheri, K. (2010). "An introduction to the philosophy of education in the Islamic Republic of Iran". Cultural Scientific Publications. (In Persian)
- Dashti, M. (2017). "Translation of Nahj al-Balaghah". (In Persian)
- Davoodi, M., & Hosseini Zadeh Abadi, S. A. (2010). "The educational conduct of the Prophet (PBUH) and the Ahl al-Bayt (AS)". Tehran: Research Institute of the Seminary and University; Samt Publishing.
- Flick, U. (2018). An introduction to qualitative research (H. Jalili, Trans.). Ney Publisher.
- Majlisi, M. B. (2011). "Bihar al-Anwar". Tehran: Al-Hikmah al-Islamiyyah. (In Persian)
- Mansoori Hadi, H., & colleagues. (2016). Tebyin va barrasi tarbiyat-e 'aqlani az didgah-e Muhammad Taqi Jafari [Explaining and examining rational education from the perspective of Muhammad Taqi Jafari] (Master's thesis). University of Isfahan. (In Persian)
- Iqbal, A. (2013). *Falsafe-ye taalim va tarbiyat-e Farabi* [Philosophy of education of Farabi].
- Nowei, I. (2012). "Religion and rationality in the view of Mulla Sadra". (In Persian)
- Quran. (2020). (Translation: Sahih International). Dar-us-Salam Publications.
- Razavani Aval, R. (2015). *Barresi tahli li va moghayese'i jaygah-e 'aql dar falsafe-ye Hegel va andishe-ye Molana* [Analytical and comparative study of the position of reason in Hegel's philosophy and the thought of Rumi] (Master's thesis). (In Persian)
- Sa'adat, A. (2014). "The essence of rationality and its applications in understanding religious texts and its critique". Journal of Wisdom and Islamic Philosophy. (In Persian)
- Sadeqi, H. (2007). "Rational faith". Qom: Tah Publications. (In Persian)
- Sadr al-Mutalahin, M. I. (1410 AH). "The high wisdom". Qom: Mustafa Publications; Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. (In Persian)
- Shari'atmadari, A. (2005). "Islamic education and training". Tehran: Amir Kabir Publishing. (In Persian)
- Stenmark, M. (1995). *Rationality in science, religion, and everyday life*. University of Notre Dame Press.